

یکی خلد شصت پیدا اولدی که خبری بیرون عمدتاً اقله در یونانی
قاعده اتصال و قاعده سن مکرر نوی یکم پیش و سنین هر چند بودی
ای یکی مضبوط بر اظنه تا حدی که زم آنکه بر حدی که یکی که یکم بود
حاصل ترشیدن بر غلبه عافه عاقبت اندیش و قاعده خود را پسندید
کیش اولد که مال بحساب بر کله ظاهر بحساب و لغین مکرر عافیه
خطبه مشاطه تری آن ایکن کنین کمال خلیل بیه حرم سر کالیه
پرستار حلقه کوش المیوب خیر خونه تکلی اولان طریف و ملیک جمیع موال
جهانی طفیل سید کایا ابدی جناب مقدس نبوی دخی تموار کایا
قدم مرکز خاوری اولغین دوست منار مکرر، ستمای راحت مصروف
و عاشق دین بالمعرف نامان اولدی بر قاعده طرازنده سیر برکان
ترین مسمم بنا که شکر لایه و بکرار و خواهری اوزار عافیه
ادکان نیکو نکرده تقدیر بر عیالام ایلی خال حب آن الله
اولان حجاز لامودی برینه اول معمار کاخانه درین علام
وضع اید کار بیستانه در مهندسان صحیح نظر سیر و اولدی
نیز این بیت الشرف خیر ایدیلر که حضرت سید عالم صلی الله علیه و آله

خود مانع و شکر کایا
مستقل
بسیار است

رضی الله عنهما عزیزان اولور شیخی پاید و وضع قدم محرم سو بر وقده
بزرگان قبایل ترشش خانه کعبه معظمه کاف اسطر زلالات احوال
و تصادم دیور و مجال ایلد اندامده سبای نامان اولغین
نشد ساسر محمد به تشبیه و امین تمام اید بر چو کج حیطان مصیف
البیان کعبه مانند ارکان اسلام ارتقاء بولدی میان قبایل
قرشده تشبیه اختلاف لعنه بشدی که جوهر کایا حجاز اولدی که
بر اید خانوق سیه پوش کعبه در خانه منیم وضع ایلدی بر طاقنه
ادعا ایدیکه کند لایا باندی یعنی قوی میانه و عاده اربط اولان
بزرگ زاده سر بلند اول سنگ سیاهی که خال حلال آرای اید
محلله وضع المیوب بو معنی کند اوله و امن آخ الزمانه دل طراز کعبه
افتخار اول اول حماة بیضه جاهلیت بربری ایلد بر مقتضای محبت عرب
سطار حجب و نسب ایدر شکر مناطی بحرب بیروب تصحیح صاحب
علماة خیر و ابدی مایه و غنی اور زنده پردلان بنی عبدالمکرم
مخروم و بی حدی و بی سهم و بی حجج اولان خون جو در اید و ب
اول خون لعل کون ایلد لایون خیر شکر زبان کبی خون اولدی ایلد

بسیار است
بسیار است
بسیار است

بسیار است
بسیار است
بسیار است